

روایت ابراهیم حقیقی از عکاسی و گرافیک

«من» این همه بزرگ نبود

ابراهیم حقیقی، مشغله اصلی خود را گرافیک می‌داند، هر چند آنچه هم که با آن شناخته می‌شود، گرافیک است، اما او در تمام سال‌هایی که مشغول گرافیک بوده‌از دیگر شاخه‌های هنر نیز دور نبوده و دغدغه‌های خود را ادامه داده است. حقیقی در رشته معماری تحصیل کرد و از همان دوران دانشجویی به طراحی پوسترو انجام کارهای گرافیکی مشغول شد. او بعد از دانشگاه این مسیر را ادامه داد و بعدا با تاسیس انجمن صنفی طراحان گرافیک، بیشتر وقت خود را در راه گرافیک صرف کرد با این حال همان‌طور که خودش نیز بارها گفته، بعد از کم‌کردن فعالیت‌هایش از انجمن گرافیک فرصت بیشتری پیدا کرد تا کارهای دیگرش را دنبال کند که از آن جمله می‌توان به عکاسی، خط‌نگاره و حتی نوشتن کتاب اشاره کرد. او در چند سال گذشته با برگزاری چندین نمایشگاه عکس با عنوان «عکس‌های سفر»، «حسرت در ناها»، «درختان»، «طبیعت بی جان» و همچنین خط‌نگاره‌هایی با الهام از شعر مولانا، حافظ و خیام تجربه ورود به دیگر شاخه‌های هنر را به معرض دید عموم گذاشت. حقیقی این بار هم قصد دارد نمایشگاه عکس‌های خود را با عنوان «ایران در آینه» از ۱۲ فروردین تا اول اردیبهشت در گالری شیرین واقع در خیابان کریمخان، خیابان ۱۳، شماره پنج به نمایش بگذارد. عکس‌های این نمایشگاه حاصل سفرهای شش‌ساله حقیقی به شهرهای مختلف ایران است. این عکس‌ها از کویر کلوت کرمان آغاز شده و بعد از آن به معماری‌های شاخص استان‌های مختلف رسیده است. حضور معماری که رشته تحصیلی این هنرمند بوده است، در این عکس‌ها بسیار پررنگ است اما در کنار آن باید به تأثیر گرافیک مخصوصا در ترکیب‌بندی رنگ‌ها و تصاویر نیز توجه کرد. آینه عنصر اصلی این عکس‌هاست؛ عنصری که به گفته حقیقی در میراث گذشته ما نیز بوده است. او حضور آینه در معماری ایران را ابستره‌ترین چیزی می‌داند که در فرهنگ ما وجود دارد. به همین بهانه گفت‌وگویی با او انجام داده‌ایم.



«سحر آراد

■ شما پیش از این گفته بودید عکاسی و خط‌نگاره برایتان رنگ تفریح و برای رفع خستگی است. اما با نمایشگاه‌های عکسی که در سال‌های اخیر برگزار کرده‌اید، به‌نظر می‌رسد این موضوع برایتان جدی‌تر شده. هنوز عکاسی برایتان رنگ تفریح است؟

شاید منظورم این بود که برگزاری نمایشگاه عکس یا خط‌نگاره برایم رنگ تفریح است، چون خارج از حوزه سفارش مستقیم سفارش‌دهندگان صورت می‌گیرد و در حقیقت برای خودتان کار می‌کنید. دلیل استفاده از چنین لغتی احتمالا همین بوده اما منظورم این نبوده است که گاه‌ب‌گاه عکاسی می‌کنم. همیشه مشغول عکاسی مخصوصا در سفرها هستم. وقتی پروژه‌ای را تعریف می‌کنم، برنامه‌ریزی آن را هم انجام می‌دهم. مثل طبیعت بی‌جان. برای این پروژه هم که با آینه‌ها شروع شد، باید برنامه‌ریزی می‌کردم تا مکان‌های خاصی را در نظر بگیرم و عکاسی کنم.

■ شروع «ایران در آینه» با ایده قبلی بود یا طی سفرهایی که دوربین همراهتان بود، عکس‌ها شکل گرفت؟

این پروژه شش‌سال قبل با یک آینه شروع شد. برای عکاسی کویر کلوت کرمان رفته بودم. آنجا یک‌کویر معروف با کوه‌های غریب معروف است. دوبار پیش از آن هم به این مکان رفته بودم و زمانی که خواستم عکاسی از آنجا را شروع کنم، فکر کردم باید کار جدیدتری انجام دهم چون از طبیعت بکر آن عکاسی شده بود. معمولا در این منطقه‌های ابری به‌ندرت پیش می‌آید و هوا بسیار گرم است اما یک بار مختصرابری در زمستان بود که از آن هم عکاسی کرده بودم. عنصر بعدی که می‌شد در این منطقه اضافه کرد، آدم‌ها بودند ولی این کار هم انجام شده بود. به همین‌دلیل فکر کردم آینه‌ها را وارد کنم. تعدادی احجام آینه‌ای به شکل مکعب و هرم ساختم و با آن عکاسی را شروع کردم. در همان‌میان، آینه‌های تکی هم داشتم که تصویر خودم را در آینه‌ها و کویر گرفته بودم. سال بعد این فکر تبدیل شد به اینکه آینه را به جای حجم، مستقل استفاده کنم.

■ مستقل؟

یعنی اینکه آینه به‌صورت حجم نباشد. در کارهای قبلی، آینه‌ها به شکل حجم‌های مکعبی و هرمی در وسعت طبیعت بودند، این‌بار می‌خواستم خود آینه تکی را به شکل مثلث و مربع درست کنم تا درون آنها عکاسی کنم، موقعیت تازه‌تری اتفاق افتاد مثلا دواتیبه وقتی در کنار همدیگر قرار گیرند، در هم تکثیر می‌شوند و ادامه پیدا می‌کنند. بعد به این نکته رسیدیم اشکال آینه‌ها را از مثلث و مربع خارج و بیضی و دایره را هم وارد کار کنم. از هر شکل، سه، چهارآینه ساختیم. دفعه‌های بعد آینه‌هایی با شکل‌های مختلف مثل مثلث، دایره، مربع و بیضی را با همدیگر به‌صورت ترکیبی با مشابه استفاده کردم. وقتی این تکثیرها انجام شد، متوجه شدم این کار در معماری میراث‌فرهنگی ما مثل کاشیکاری مساجد یا آینه‌کاری‌هایی در کاخ گلستان و حرم‌ها موجود است. این آینه‌ها در معماری ما وجود دارند و تکثیرپذیر هستند. بنابراین سراغ معماری‌ها و کاشیکاری‌هایی که آینه‌کاری‌ها در آنها تکثیر شده است، رفتم. بعد از آن جذب وسعت حضور رنگ در کاشی‌ها شدم. تا آن موقع کار اینگونه بود که بازتاب طبیعت مثل آسمان در زمین و... در عکس‌هایم نشان داده می‌شد....

■ پروژه را ابتدا از طبیعت آغاز شد بعد به معماری رسید؟

بله، اول از طبیعت شروع کردم. در این نمایشگاه عکس‌های کویر را که آغازگر راه بودند، نمایش خواهم داد و عکس‌هایی که از طبیعت‌های دیگر هستند، نمایش نمی‌دهم. در ابتدا می‌خواستم آسمان، آب و زمین را در آینه پیوند دهم. در ادامه که به معماری‌ها رسیدیم، مسیرم کانالیزه‌تر شد و قصد کردم نمایشگاه برگزار کنم اما فضایی که بتوان تمام عکس‌های طبیعت را نشان داد، نداشتیم پس به‌جز عکس‌های کویر کلوت که کار را با آن شروع کرده بودم و می‌خواهم نشان دهم پروژه چگونه شکل گرفته است، بقیه عکس‌های این نمایشگاه از معماری‌ها هستند. در سال چهارم رنگ را هم وارد کار کردم. به‌جز اینکه از اشکال متفاوت آینه استفاده کردم، صفحات متنوع رنگی را نیز همراه کار به‌کار بردم مثل قرمز، زرد، آبی، فیروزه‌ای و سرمه‌ای. بازتاب رنگ‌ها، معماری و آینه‌ها در این عکس‌ها با هم تلفیق شده‌اند.

■ وقتی رنگ‌ها وارد کار شدند، همچنان به عکاسی از طبیعت ادامه دادید؟

از طبیعت هم عکس می‌گرفتم اما عکس را بیشتر وارد عکس‌های

معماری کردم. معماری‌ها از سال سوم شروع شد و بعد از آن از سال چهارم، برنامه‌ریزی کردم که از کدام شهرها عکاسی کنم. اصفهان، شیراز، قزوین و تبریز را انتخاب کردم. ملاک، مکان‌هایی بود که معماری‌های شاخص میراث‌فرهنگی دارد.

■ این مکان‌های مختلف از نظر عکاسی تفاوتی هم داشتند؟

از چه نظر؟

■ مثلا از نظر بازتابی که در آینه‌ها به‌وجود می‌آوردند.

بله، تنوع شکل‌ها و رنگ‌ها را به این دلیل بیشتر کردم که برخی از معماری‌ها، بهتر جواب می‌دادند مثلا در برخی از کاشیکاری‌ها، آینه‌های مستطیل به دلیل کاشی‌های مربع، بهتر شده است اما گاهی اوقات که قوس‌هایی وجود داشت، آینه‌های بیضی و دایره موثرتر بودند چون خود شکل هم دارای قوس بود. در این کار حتما باید همکاری کمکم می‌کردند که سه، چهارنفر از دوستانم همراهم می‌آمدند تا آینه‌ها را برایم نگه دارند و همزمان آینه‌ها را حرکت می‌دادند چون در این حرکت‌ها، بازتاب‌ها در یکدیگر جواب می‌دادند. گاهی سفرهم همراهم می‌آمدند که هریک دواتیبه را نگه می‌داشتند و عکس‌ها منکی به حرکت و اتفاق می‌شد. گاهی اوقات یکی از همراهانم آینه را کنار می‌گذاشت تا رنگ‌ها را وارد کار کند و در این تکان‌دادن‌ها، عکس‌ها گرفته می‌شد....

■ یعنی نمی‌شد از قبل برای آن برنامه‌ریزی کرد؟

اصلا نمی‌شد حتی در فکر ساختن پایه‌ای با تعدادی گیره بودم تا بتواند آینه‌ها را نگه دارد اما توانستم به تعدد گیره‌هایی برسم که بتواند هفت‌آینه را با هم نگه دارد و موقعیت ثابتی بسازد. همیشه بهترین جواب را زمانی گرفتم که سه‌نفر همراهی‌ام می‌کردند.

■ این پروژه تمام شده است؟ چه شد که بعد از شش سال تصمیم گرفتید نمایشگاهی برگزار کنید؟

قطعا ادامه دارد و چندانکم دیگر وجود دارد که دوست دارم از آنها هم عکاسی کنم مثلا قصد داشتم دره غریب قشم را عکاسی کنم اما به فصل گرما برخورد کردم. می‌خواستسم کار را در شهرهای دیگر هم انجام دهم، اما راستش نگران این موضوع بودم که کارم از سوی کسانی که نمی‌دانند من چه قصدی دارم، تکرار شود. در تمام مکان‌هایی که مشغول عکاسی بودم، آدم‌های زیادی پشت‌سرم‌ان جمع می‌شدند و می‌خواستند بدانند چه اتفاقی درحال روی‌دادن است. می‌شیدم که می‌گفتند چه تصمیم خوبی است پس ما هم سراغ آینه (خنده) برویم. در سی‌وسه‌پل اصفهان قدم می‌زدیم، دختر نوجوانی گفت هنر می‌خواند و می‌خواهد در مورد کارم بداند، پدرش گفت دخترم به عکاسی علاقه‌مند است و... وقتی متوجه کارم شدند، دختر به پدرش گفت برای من‌هم آینه بخر (خنده). البته در اینستاگرام و فیس‌بوک هم تا حدودی این اتفاق افتاد که برخی از کسانی که کارم را دیده بودند،



در تمام مکان‌هایی که مشغول عکاسی بودم، آدم‌های زیادی پشت‌سرم‌ان جمع می‌شدند و می‌خواستند بدانند چه اتفاقی درحال روی‌دادن است. می‌شیدم که می‌گفتند چه تصمیم خوبی است پس ما هم سراغ آینه (خنده) برویم. در سی‌وسه‌پل اصفهان قدم می‌زدیم، دختر نوجوانی گفت هنر می‌خواند و می‌خواهد در مورد کارم بداند، پدرش گفت دخترم به عکاسی علاقه‌مند است و...



مشابه این کار را انجام دادند. این مسائل کمی نگرانم کرد و برای همین تصمیم گرفتم نمایشگاه برگزار کنم تا قصدم را از این رفتار نشان دهم و بگویم این کار، خیلی اتفاقی نیست و با اینکه یک تجربه تازه است، اما صرفا تجربه نیست و دلم می‌خواست مفاهیم تازه هم در کارم باشد هرچند نمی‌دانم اصولا مفاهیم تازه‌ای در کارم هست یا نه. باید نمایشگاه برگزار شود تا متوجه نظرات شوم. در حقیقت رفتار آینه و تکثیر آن در معماری‌مان را قبلا هم داشته‌ایم. تمام مکان‌های حرم‌های مذهبی، کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی‌مان آینه‌کاری‌های شاهکاری دارند و در دوران صفوی و قاجار نهایت زیبایی آن را می‌بینیم. حتی مفهوم بازتاب اشیا در آینه را هم داشته‌ایم. این بازتاب، تجریدی‌ترین رفتاری است که برای تزئین یک تفکر هنرمندانه می‌توان یافت. در فرهنگ ما نصب تابلو روی دیوار وجود نداشته است. از دوران صفویه که با اروپا ارتباط برقرار کردیم، نقاشی‌ها روی دیوار رفتند آن‌هم نه به‌صورت تابلو، بلکه نقاشی جزئی از دیوار بود اما ابستره‌ترین چیزی که در فرهنگمان داریم، آینه‌های روی دیوارها هستند. هرلحظه بنابر حضور افراد و موقعیت نوری، تصویر آینه‌ها تغییر می‌کند و اصلا ثابت نیستند. افراد با لباس‌های مختلف از جلو آینه‌ها عبور می‌کنند و بازتاب آن در آینه متفاوت می‌شود. مفهوم

تجسمی



عکس: مریم زینبی

دیگری هم داریم که در یکی از قصه‌های مثنوی مولانا در مورد رومیان و چینی‌ها آمده است و درواقع نقل مفهوم بازتاب نشانه‌های خاوند روی زمین است. در این قصه، سلطان می‌پرسد چه کسانی نگارگران بهتری هستند و می‌گویند چینی‌ها و رومیان بهترین‌ها هستند. سلطان می‌گوید هر دوگروه را دعوت کنید، به هرکدام یک دیوار می‌دهم، هرکدام بهتر نگارگری کنند، صله و هدایای بیشتری به آنها خواهم داد. یک‌دیوار به رومیان و در مقابل آنها دیواری به چینی‌ها می‌دهند. میان‌شان پرده‌ای آویخته می‌شود تا یکدیگر را نگاه نکنند. بعد از پایان کار، رومیان نقاشی شگفت‌انگیزی روی دیوار می‌کشند و پرده که کنار می‌رود، می‌بینند چینی‌ها تنها دیوار مقابل را صیقل داده‌اند، هیچ نقشی نزده‌اند و دیوار را به آینه تبدیل کرده‌اند که بازتاب نقاشی رومیان روی دیوار آنها منعکس شود. این داستان، تمثیلی از جهان است که دنیا آینه‌ای از بازتاب ماوراست یعنی اگر آینه‌ات را جلا بدهی، بازتاب‌دهنده نور خواهی شد. مفهوم آینه در ادبیات کهن ما به‌جز مولانا بسیار زیاد است و در حافظ، سعدی و نظامی بسیار وجود دارد. در دوران معاصر نیز به هوشنگ ابتهاج که نام کتابش «آینه‌درآینه» است، می‌رسیم. پس کارکردن با آینه جزو اندیشه‌های شاعرانگی ایرانیان بوده است.

■ آنچه در مورد مفهوم معماری میراث‌فرهنگی در این پروژه صحبت کردید، صرفا در مورد نور است؟

بله، در مورد نور است. درست است در معماری ما همه بناها برای سرنپاه هستند، اما آنچه ما به آن هنر معماری می‌گوییم، به‌جز آنکه دیوار و سقفی می‌سازد، فضا هم می‌سازد. فضا را نمی‌شود تعریف کرد، فضا را باید ساخت و حس کرد.

■ مگر در معماری‌های دیگر فضا نیست؟

در معماری فضا هست، اما در مورد بنا اینطور نیست. بنا لزوما معماری نیست که بخواهد هنرمندانه باشد. پنجره را در بنا می‌گذاریم تا نوری داخل ساختمان بتابد، اما پنجره در معماری هنرمندانه به‌جز آوردن روشنایی، نور و منظر را نیز تعریف می‌کند. در گذشته می‌دانستند در چه جایی درخت بکارند تا وقتی از پنجره بیرون را نگاه می‌کنیم، چه ببینیم.

■ و الان این مسائل در معماری ما استفاده نمی‌شود؟

در ساخت‌وسازهای معاصر به هیچ‌وجه این موضوع رعایت نمی‌شود. استفاده از نور را در معماری‌های پابرجای اروپایی در دوران کلاسیک و گوتیک لااقل در کلیساها می‌بینیم و معمار معروف فرانسوی «لوکوربوزیه» از همین مفهوم استفاده کرد. او از نور برای پنجره‌هایش به‌گونه‌ای استفاده کرد که بازتاب نور درست جایی افتاد که صلیب نصب شده است و غروب‌ها زوار با صلیب قرمز در کلیسا مواجه می‌شوند. در مسجد شیخ‌لطف‌الله اصفهان هم پنجره‌ها و درها به‌دنبال مفهوم بازتاب‌های نور هستند و این کار بسیار هنرمندانه انجام شده است.

■ شما هم در این پروژه به‌دنبال بازتاب نور بودید؟

نور برای عکاسی ناگزیر و ذاتا مهم است.

■ برای شما چندر مهم بود؟ فلسفه‌ای که در مورد نور در میراث گذشته ما وجود داشت، از ابتدا در کارتان بود یا به‌مرور متوجه آن شدید؟

نه نور هم رسیدم مثل موقعی که متوجه شدم می‌توانم بازتاب پنجره‌ها را در تعدد داشته باشم. در یکی، دوعکس نمایشگاه هم هست. از دوستانم خواهنش کردم نور آفتاب را با آینه‌ای که در درست دارند روی قسمتی که می‌خواهیم عکس بگیریم، بتابانند. در واقع نور را شدت دادیم.

■ در مورد رنگ‌ها چطور؟ وقتی رنگ‌ها وارد می‌شوند، انکار حضور نورها

کمتر می‌شود؟

بله، در حقیقت به دنبال زیبایی‌شناسی واحد بصری عکسی که قرار است

ساخته شود، بودم و می‌خواستم یک عکس خوب هم ارائه دهم.

■ معمولا حضور معماری در عکس‌های شما مشهود بود، اما در این عکس‌ها، علاوه‌بر معماری به‌نظم تجربه‌های گرافیکی هم خیلی در آثارتان نمود داشته است؛ به‌خصوص در ترکیب رنگ‌ها و معماری. این موضوع آگاهانه بود؟

قطعا وقتی آینه‌ها در جلو لنز می‌گرفتم، به دنبال ترکیب بهتر در جابه‌جاکردن بودیم چون همیشه کادربندی یکی از بااهمیت‌ترین موضوعات در عکاسی است و ترکیب را باید ساخت. پس وقتی شوت‌کردن در حرکت‌دادن‌ها ممکن است به اتفاق منجر شود، در تعدد شوت‌کردن، قطعا اثری را انتخاب می‌کنم که دارای ترکیب‌بندی زیاتر و بهتر شده باشد و حتما نگاه یک طراح گرافیک در آن دخیل است چون دارم به ترکیب و کادربندی نهایی فکر می‌کنم و دیگر منظر یا مضمون برایم مهم نیست چون مضمون موجود است و حالا باید ترکیب درست را در کارهایم انتخاب کنم.

ادامه در صفحه ۱۱

مکعب سفید

ادامه نمایشگاه انجمن نقاشان

۱۶میلیون تومان

در یک روز

نمایشگاه انجمن هنرمندان نقاش ایران در حالی در سال۹۴ ادامه پیدا کرده است که در روز نخست این نمایشگاه پس از تعطیلات نوروز، آثاری به ارزش ۱۶میلیون تومان به فروش رسیده است.

منیزه صحنی، سخنگوی انجمن هنرمندان نقاش ایران درباره ادامه نمایشگاه و فروش سالانه آثار هنرمندان این انجمن که از روز ۲۳اسفند در خانه هنرمندان برگزار شد و با پایان تعطیلات نوروزی کار خود را از سرگرفته است، به هنرآلاین گفت: «نمایشگاه فروش سالانه اعضای انجمن هنرمندان نقاش ایران از روز شنبه ۱۵فروردین‌ماه دوباره کار خود را آغاز کرده و در همین مدت‌زمان نیز استقبال از این نمایشگاه قابل‌توجه بوده است. شش‌تابلو به ارزش ۱۶میلیون‌تومان در روز ۱۵فروردین فروخته شده است و امیدوارم تا پایان نمایشگاه در روز ۲۰فروردین‌ماه نیز این استقبال ادامه داشته باشد.»

او با بیان اینکه قیمت آثار ارائه‌شده در این نمایشگاه از یک تا سه‌میلیون‌تومان بوده است، افزود: «البته ارائه آثار با قیمت پایین‌تر از یک‌میلیون، نیز در این نمایشگاه منعی نداشته است و هنرمندان جوانی که آثار کوچکی در این نمایشگاه دارند، قیمت‌هایی بین یکصد تا ۹۰۰هزار‌تومان را نیز برای آثار خود انتخاب کرده‌اند.»

سخنگوی انجمن هنرمندان نقاش ایران همچنین گفت: «با احتساب فروش ۱۶میلیون‌تومانی روز قبل نمایشگاه انجمن تا امروز فروشی معادل ۳۷۰میلیون‌تومان داشته است که در این بازه زمانی رقم بدی نیست.»

صحنی درباره فروش آنلاین آثار این نمایشگاه نیز اظهار کرد: «از روز ۲۵اسفند سال۹۳ سایت http://onlineartgallery.ir برای خریدوفروش آنلاین نمایشگاه سالانه انجمن راه‌اندازی شده است. علاقه‌مندان با مراجعه به این سایت می‌توانند اثر هنری موردنظر خود را به‌صورت آنلاین خریداری کرده و پس از پایان نمایشگاه آن را تحویل بگیرند. البته ذکر این نکته ضروری است که در این نمایشگاه از هر هنرمند یک بی تا سه‌اثر به نمایش گذاشته شده است، در حالی که روی این سایت همه آثار شرکت‌داده‌شده از سوی یک هنرمند در نمایشگاه قابل‌رویت است و به محض خرید اثر تک شده و امکان خرید آن برای دیگران از بین می‌رود.»

او درباره بخش فروش خارجی این سایت نیز گفت: «در یک یا دوروز آینده بخش فروش خارجی این سایت نیز به زبان انگلیسی فعال شده و خریداران از سراسر دنیا می‌توانند آثار هنرمندان ایرانی را خریداری کنند. البته این سایت همزمان با فروش‌های سالانه فعال می‌شود و در آینده برای ایام دیگر سال نیز برنامه‌هایی برای آن مشخص خواهد شد.»

نمایشگاه سالانه انجمن هنرمندان نقاش ایران تا ۲۰فروردین‌ماه در گالری‌های خانه هنرمندان ایران و هرروز از ساعت ۱۴ تا ۲۱ پذیرای علاقه‌مندان است. خانه هنرمندان ایران در خیابان ایرانشهر، خیابان برفروشان، پارک هنرمندان قرار دارد.



کرباس خاکستری

گفت‌وگو با مصطفی دمیرچی، نقاش

هنر معاصر یعنی بازگشت به عقب



محمود نورایی

آخرین حضورش در عرصه نقاشی به ششمین بی‌بنال نقاشی تهران در سال ۸۴ بازمی‌گردد که اتفاقا نقاشی‌اش هم راهی موزه هنرهای معاصر شد. مصطفی دمیرچی (داجی) از آن به بعد تصمیم گرفت بیش از آنکه به برگزاری نمایشگاه بپردازد، با سفر به نقاط مختلف دنیا تجربه کسب کند. او طی این مدت چند نمایشگاه انفرادی هم در خارج از کشور برگزار کرده. او که طی سال‌های گذشته تمام اتفاقات هنر تجسمی کشور را زیر نظر داشته، اکنون با نگاهی به هنر تجسمی در ۱۰سال اخیر، دومین نمایشگاه انفرادی خود را در گالری شیرین برپا کرده است. دمیرچی در نمایشگاه خود با عنوان «آفرینش حوا» به ارایه ۱۱۷اثر در ابعاد بزرگ چهار تا هشت‌متری پرداخته که امروزه کمتر در فضای نمایشگاهی تهران شاهد آن هستیم. نگاه متفاوت او به نقاشی و استفاده از متریالی که کمتر در عرصه هنر معاصر از آنها بهره گرفته می‌شود، از جمله نکات جالب‌توجه این نمایشگاه است.

■ پس از اینکه برگزیده ششمین دوسالانه نقاشی شدید، چرا به یک‌بار صحنه هنر ایران را ترک کردید؟

بی‌بنال ششم تهران که برگزار شد، اثرم را به موزه منتقل کردند، این اتفاق برای جوانی که تنها ۲۴سال داشت، می‌توانست اتفاق شک‌آوری باشد. من تنها یک نمایشگاه انفرادی داشتم و پس از آن برگزیده بی‌بنال نقاشی تهران شدم؛ بی‌بنالی که امروز اگر به آن و برگزیدگانش نگاه کنید، درمی‌یابید که هنرمندانی هستند که جریان هنر معاصر ایران را راهبری می‌کنند. اما در آن زمان برای من فضای کارکردن وجود نداشت؛ نه مجموعه‌داران در آن زمان فعالیتی داشتند و نه سایر جریان‌ات موازی با هنر شکل گسترده‌ای داشت. حراج خاصی برگزار نمی‌شد و مدیران هنری هم فعالیت ویژه‌ای نداشتند. من هم نمی‌توانستم منتظر باشم که پولی به دستم برسد. با اینکه برای قوی‌نشان‌دادن رزومه کاری‌ام هم مدام نمایشگاه برپا کنم، موافق نبودم زیرا معتقدم تا ۳۵سالگی بیشتر زمان مطالعه است تا نمایش دادن توانایی‌های تکنیکی. به همین دلیل سعی کردم با دورشدن از فضای موجود، به خودشناسی و به‌نوعی اطراف‌شناسی بپردازم تا درکم نسبت به مسایل مختلف بیشتر شود. در این مدت به کشورهای مختلفی سفر کردم و با افراد متفاوتی هم روبه‌رو شدم که این جست‌وجوها در خلق آثارم تأثیر گذاشت.

■ بیشتر به چه موضوعاتی در آثارتان توجه دارید؟

نقاشی‌هایم از نظر مفهوم و نوع اجرا متفاوت است. سراغ متریال‌های مختلفی رفتم. هرچیزی که حس محکم‌تری در نقاشی ایجاد کند برای من جذاب است. تناقض میان انسان، مذهب، عشق و عرفان موضوعاتی است که همواره در ذهن من وجود داشته و سعی می‌کنم با بیان شخصی خود آنها را جلوه بصری ببخشم.

■ وقتی به آثار شما در نمایشگاه «آفرینش حوا» نگاه می‌کنیم،



عکس: سفید زینبی

نوعی جلوه نگارگری ایرانی را در آن می‌بینم؛ نگاره‌هایی که حالا در ابعاد بزرگ، گفتمان جدیدی را با مخاطب ایجاد کرده‌اند؟

طی یک‌دهه اخیر من در جاهای مختلفی زندگی کردم و مطالعات مختلفی بر هنر خاورمیانه و آسیای‌میانه داشتم. هنر در این منطقه نوعی خاستگاه عرفانی دارد و برخورد هنرمند برای خلق اثر هنری نوعی مکاشفه محسوب می‌شود. من نیز سعی کردم در برخورد با اثر هنری همین رویه را در پیش بگیرم. یعنی مکاشفه ذهنی و روحی با سطح یک‌بوم از طریق رنگ و عناصر هنری. یعنی تخلیه تفکر با آفرینش بصری براساس مبانی زیباشناختی. وقتی شما این رویه را در پیش می‌گیرید، ناخودآگاه خود را کشف می‌کنید. یعنی آنچه را دیده‌اید کشف دوباره کرده و وقتی اثر هنری ارایه می‌کنید، خودبه‌خود این ناخودآگاه‌ها در آثارتان حلول می‌کند. از همین‌رو آنچه در آثارم تلاقی پیدا می‌کند با این نوع نگارگری، از برون‌ریزی همین اتفاقات است. حال در همین آثار هم می‌توان مبانی بصری جدید مثل انیمیشن‌ها را دید. اما من بیان شخصی خودم در ارایه اثرم را حفظ و سعی می‌کنم آنچه را ارایه می‌دهم، یونیک باشد. البته این رویه خلق اثر است و ربطی به کانسپتی که من ارایه می‌دهم ندارد.

■ کانسپت شما در مجموعه «آفرینش حوا» چیست؟

دقیقا چیزی که شما به آن اشاره کردید؛ نگاه معاصر به نقاشی ایرانی. من در این آثار با مطالعه بر نگاره‌ها و تصاویر کهنی که موجود است، به بازآفرینی جلوه‌های معاصر پرداخته‌ام. یعنی کشف دوباره مبانی هنر ایرانی و بازآفرینی آنها از دریچه ذهن خودم. من خطوط نگارگری و فرم‌های دورانی نگارگری ایرانی را کشف و سعی کردم آنها را در قالبی بزرگ‌تر ارایه کنم تا خوانش خودم را در مقابل مخاطب امروزی قرار دهم مثلا خطی که در یک نگاره چند میلمتر است حالا در اثر من به طول چهارمتر ارایه شده است. از سوی دیگر ما در نگارگری جزء کار هستیم، یعنی جزئیات یک کلیت را می‌سازند که در چیدمان در کنار هم یک کلیت روایت می‌شود. بر همین اساس در بسیاری از مواقع جزئیات قابل‌خوانش نیستند. اما در دنیای امروز و زندگی معاصر این جزئیات هستند که روابط انسانی را تعریف می‌کنند پس باید جزئیات نیز قابل‌خوانش باشند.

ادامه در صفحه ۱۱